

تأملی بر آثار آیین‌نامه اجرایی بررسی صحنه جرم (مصوب ۱۳۹۶) در تحقیقات قضایی قتل عمد

محمد رضا اعزازی^۱، عبدالله هندیانی^۲

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

چکیده:

پس از وقوع جنایت، اولین اقدام جهت کشف آثار جرم، شروع تحقیقات مقدماتی است. در تحقیقات قضایی جنایات علیه نفس، وظایف گوناگونی جهت شناسایی مجرم و اطلاع از نحوه ارتکاب قتل ضرورت می‌یابد. گروه بررسی صحنه جرم در این جنایات به‌موجب ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری عهده‌دار آشکار ساختن ابعاد معمای قتل است. در این پژوهش که با روش کیفی و کتابخانه‌ای صورت پذیرفت، تحقیقات به دودسته اصلی پلیسی و قضایی تقسیم شده که حسب فعالیت‌های مذکور در آیین‌نامه اجرایی حدود اختیارات و وظایف بررسی صحنه جرم به این امر اشاره می‌شود که اقدامات صورت گرفته در صحنه جرم صرفاً ماهیتی پلیسی دارند و اصولاً در راستای وظایف ضابطین است. از سویی دادرس بعضاً مطالباتی درباره وقوع جرم و کیفیت ارتکاب آن دارد که سابقاً در گزارش گروه بررسی صحنه جرم ذکر نمی‌گردید. این‌گونه تحقیقات قضایی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری قضات دادگاه‌ها دارد که به‌موجب آیین‌نامه اجرایی بررسی صحنه جرم می‌توان از خلال بررسی‌های صورت گرفته در صحنه جرم و اظهار نظر کارشناسان گروه بررسی صحنه جرم حاصل گردد، بنابراین این نتیجه حاصل می‌شود که گروه مذکور با بهره‌گیری از اختیاراتشان هر کدام حسب وظیفه تخصصی خود باید پاسخگوی دو سؤال اساسی پیرامون شناسایی قاتل و کیفیت وقوع قتل باشند. بی‌شک حصول این مهم علاوه بر کمک به اقناع وجدان قاضی برای صدور حکم، موجب حل معضلی به نام اطلاع دادرسی نیز می‌گردد.

کلیدواژه: مجرم، قتل عمد، صحنه جرم، ضابطین قضایی، تحقیقات جنایی، اقناع قضایی.

^۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

^۲. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

مقدمه

در سیستم نوین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرائم مراحل مختلفی را طی می‌کند. مرحله اول مربوط به کشف جرم است. کشف جرم از جمله وظایف ضابطین دادگستری یا نیروی انتظامی است که بلافاصله بعد از اطلاع از وقوع جرم باید اقداماتی را که برای حفظ آثار و علائم جرم و جلوگیری فرار یا اختفاء متهم ضروری است انجام دهند. مرحله دوم تحقیقات مقدماتی است. این مرحله به تشکیل پرونده مقدماتی و جمع‌آوری دلایل به سود یا زیان متهم و اظهارنظر در مورد بزهکاری یا بی‌گناهی متهم می‌پردازد. این وظایف به عهده قاضی دادسرا یا بازپرس است. مرحله سوم، مرحله تعقیب است. این وظیفه بر عهده دادستان است. وی به نمایندگی از جامعه جرائمی را که مخل نظم عمومی و امنیت جامعه است را تعقیب و پیگیری کند. نهایتاً مرحله چهارم است که مربوط به دادرسی و رسیدگی به جرم ارتكابی است. در این مرحله قاضی رسیدگی‌کننده با عنایت به اوضاع و احوال و شرایط موجود در پرونده به تشخیص موضوع جرم و اوصاف آن می‌پردازد و به فراخور آن اقدام به تعیین مجازات می‌کند.

صدور حکم مجرمیت یا برائت متضمن بررسی و تحقیقات جامعی است که در قانون آیین دادرسی کیفری بدان تحقیقات مقدماتی می‌گویند. در تحقیقات مقدماتی جنایت علیه نفس یا قتل، بررسی صحنه جرم مرسوم‌ترین و راهگشاترین روش جهت دستیابی به اطلاعاتی از فرد مرتکب و چگونگی ارتكاب جنایت توسط وی است. بدین خاطر اولین اقدام مهمی که بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم قتل صورت می‌گیرد بررسی صحنه جرم است. چراکه صحنه جرم سرچشمه و منشأ اطلاعات مربوط به چگونگی و کیفیت وقوع جرم و هویت مجرم است. در این میان تفکیکی در وظایف گروه بررسی صحنه جرم انجام می‌شود و این وظایف را در دودسته قرار دهد؛ اولی، شناسایی و تشخیص هویت مرتکب یا مرتکبان و دیگری، بررسی کیفیت و چگونگی ارتكاب جرم است.

آنچه تا امروز بیشتر مورد اهمیت و مطالبه مقامات قضایی بوده است، کسب اطلاعات از هویت مرتکب جرم است. در واقع چرایی این امر بر هیچ‌کس پوشیده نیست اما می‌توان ادعا کرد که این وظیفه ابتدایی آنان خواهد بود. چراکه بدون شناسایی و دستیابی به مرتکب عملاً معمای قتل نمی‌شود. از سوی دیگر اگر برخی از کارشناسان صحنه جرم به بحث کیفیت و چگونگی ارتكاب جرم توجه داشته باشند، صرفاً به‌منظور نیل به همان

وظیفه نخستین آنها یعنی تشخیص هویت مرتکب است. همان‌طور که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، نخستین وظیفه گروه بررسی صحنه جرم که آن را در قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه بررسی صحنه جرم تنها هدف این گروه دانسته‌اند به‌ظاهر امر دشواری نیست بلکه آنچه به‌واقع کمک‌حال قضات رسیدگی‌کننده به این دسته جرائم است، دومین وظیفه گروه بررسی صحنه جرم است که توسط اعضای گروه بررسی صحنه جرم هرکدام به فراخور وظیفه‌شان باید به چگونگی و نحوه ارتکاب نیز پردازند که گویا در بررسی‌های جنایی مغفول واقع شده است. در این پژوهش که از منظر هدف، کاربردی است و با شیوه توصیفی-تحلیلی از خلال مطالعه و بررسی منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است سعی در ارائه راهکاری برای بهبود امر رسیدگی‌های قضایی و شناسایی کارشناسانه اقسام جنایات دارد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود به این سؤال اصلی که چگونه اعضای گروه بررسی صحنه جرم می‌توانند اقدام به تشخیص قتل عمد نمایند؟ و این اقدامات چه تأثیری در بهبود تحقیقات جنایی خواهد داشت؟ پاسخ داده شود.

۱- تحقیقات جنایی؛ تحقیقات پلیسی و تحقیقات قضایی

تحقیقات جنایی مجموعه اقداماتی است که به‌طور خاص در جرائم منجر به فوت قربانی انجام می‌گیرد. به‌طور کلی اهداف تحقیقات جنایی شامل دو بخش است: اول؛ روشن کردن این نکته که آیا حادثه اتفاق افتاده یا خیر و در صورتی که اتفاق افتاده نوع آن چیست؟ آیا عنوان مجرمانه را داراست یا خیر؟ و در صورتی که دارای عنوان مجرمانه است نشانه‌ها و دلایل آن کدام است؟ دوم؛ کاهش دادن و به حداقل رساندن اشتباهات قاضی و سیستم قضایی است که هدف هر محقق حقوق در تحقیق جنایی است. هدف اخیر نیز در خدمت هدف عالی دیگری است که مدنظر کلیه نظام‌های دادرسی دولت‌ها قرار می‌گیرد و آن هدف «عدم محاکمه و مجازات ناروا» و «جلوگیری فرار مجرمین از مجازات» است.

از سوی دیگر محققان فرآیند تحقیقات جنایی را به سه مرحله تقسیم‌بندی کرده‌اند: (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۴۸)

۱. تعیین هویت و شناسایی بزه‌کار

۲. دستیابی به فرد بزه‌کار و در اختیار گرفتن وی

۳. جمع‌آوری دلایل احراز جرم

فعالیت‌های اکتشافی و تحقیقات مقدماتی در آثار و ادله باقی‌مانده در صحنه جنایت توسط ضابطین و خصوصاً گروه بررسی صحنه جرم گرچه همگی در راستای سیستم دادرسی کیفری قرار دارند. باین‌حال باید این اقدامات را به دو بخش مجزا تقسیم‌بندی می‌شوند. به تعبیری دیگر تحقیقات جنایی که در زمان احراز قتل صورت می‌پذیرد به دو بخش تحقیقات پلیسی و تحقیقات قضایی منفک می‌شود. برای آشنایی با این تقسیم‌بندی از تحقیقات جنایی، شناخت تعاریف و مبانی موجود در این دسته‌بندی ضروری جلوه می‌کند.

۱-۱ تحقیقات پلیسی

تحقیقات پلیسی را می‌توان مجموعه اقداماتی دانست که حسب وظایف محوله قانونی به نیروی انتظامی جهت شناسایی مرتکب جرم و دستیابی به وی در نظر گرفته شده است. تعریف حاضر ناظر به جنبه کاربردی یا عملی تحقیقات پلیسی است. البته تعریف دیگری از تحقیقات پلیسی نیز وجود دارد که متوجه جنبه‌های علمی و راهکارهای شناسایی و کشف علمی جرائم و دسته‌بندی آن‌ها است.

۱-۱-۲ تحقیقات پلیسی کاربردی

تحقیقات جنایی یک‌روند رسیدگی سامانمند است که عملی فراتر از هنر است. در این روش عملی بایستی همواره با ابتکار و کاردانی و تدبیر مأموران گروه بررسی صحنه جرم همراه باشد. البته باید گفت که استفاده محض روش‌ها که در کتب تحقیقات قید شده به تنهایی نمی‌تواند تحقیقات را به‌طور موفقیت‌آمیزی به انجام رساند بلکه توالی تحقیقات نیز بایستی به‌عنوان یک اصل علمی و عملیاتی مورد توجه قرار گیرد (سوانسون، ۱۳۷۵: ۷۵). همان‌طور که ذکر شد لزوم تخصص و مهارت‌های فنی ضابطین دادگستری که در جریان تحقیقات مقدماتی مؤید این نظر است.

در تحقیقات پلیسی کاربردی نحوه اطلاع از وقوع جنایت و چگونگی کسب ادله نیز یکی دیگر از موضوعات است. در همین زمینه باید پس از هر جنایتی به سؤالاتی که ممکن

است پیرامون وقوع آن حادث می‌گردد، پاسخ داد: ۱. جرم ممکن است فاش نشود چراکه در برخی مواقع ارتکاب جرم توسط گروهی از جنایتکاران سازمان‌یافته صورت می‌گیرد و لذا به دلیل اینکه عمل مجرمانه همراه با طراحی قبلی به‌طور دقیق انجام‌گرفته کشف دلایل جرم به‌سختی امکان‌پذیر خواهد بود. ۲. ۲. وقوع جرم ممکن است محرز باشد لیکن پلیس در جریان ارتکاب آن قرار نگیرد. مثلاً زمانی که متضرر از جرم پس از ورود به محل کار خود متوجه می‌گردد که آنجا مورد دستبرد سارقین قرار گرفته اما به دلیل جزئی بودن خسارات وارده جریان را به پلیس گزارش نمی‌دهد. ۳. ۳. در این حالت پلیس در جریان ارتکاب جرم قرار می‌گیرد. در این‌گونه مواقع پلیس ممکن است در حین مأموریت متوجه وقوع جرم شود و یا وقوع آن را از قربانی، شاهد یا مطلع باخبر شود. در این حالت پلیس با کلیه امکانات موجود موظف به کشف و شناسایی ادله و امارات موجود جهت دستیابی به فرد مرتکب است. حالت اخیر در مورد جنایت قتل مصداق پیدا می‌کند. چراکه در صورت کشف جسدی که علت فوت آن مشکوک باشد باید در وهله اول در مورد نحوه مرگ متوفی تحقیق به عمل آورد.

در همین جهت می‌توان به شرایط و پیچیدگی‌های خاص در تحقیقات جرم قتل اشاره کرد. به‌طوری‌که گفته می‌شود: «در جریان پی‌جویی پرونده قتل مأمور از سه پل عبور و آن‌ها را پشت سر خود خراب کند و بدین ترتیب راه بازگشت خود را مسدود می‌کند. به همین دلیل است که اقدامات لازم باید قبل از خراب شدن پل‌ها به‌طور دقیق و صحیح اجرا گردد» (اشنایدر، ۱۳۷۷: ۲۲). اولین پل آن است که قبل از حرکت دادن جنازه از محل خود باید عکس‌برداری و اندازه‌گیری و جستجوی آثار انگشت و سایر اقدامات لازم به عمل می‌آید؛ زیرا به‌محض اینکه جنازه از محل خود حرکت داده شود. قرار دادن مجدد آن درست به حالت اولیه و اجرای عملیات پی‌جویی مجدد با هیچ تدبیری امکان‌پذیر نیست. دومین پل هنگامی فرومی‌ریزد که جنازه شستشو داده شود؛ زیرا به‌موجب آن آثار باقی‌مانده روی بدن متوفی از بین خواهد رفت. سومین و آخرین پل، دفن جنازه است زیرا علاوه بر آن که نبش قبر و بیرون آوردن متوفی از قبر عملی مشکل، مکروه و نیازمند مجوز است عملیات و دفن و گذشت زمان تغییراتی روی بدن وجود می‌آورد که آزمایش‌های علمی روی بدن متوفی را بسیار مشکل می‌سازد؛ بنابراین در صورت عدم توجه و رعایت تمامی اصول و موازین و بهره‌مندی از تجارب و

تخصص‌های مرتبط فرآیند تحقیقات و بالطبع فرآیند دادرسی کیفری دچار خلل و کاستی می‌شود.

در میان کارشناسان پلیس، روش‌های گوناگونی جهت پیگیری و رسیدگی به تحقیقات وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران، فرآیند تحقیقات در سه مرحله خلاصه می‌شود (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۴). مرحله اول، اطلاعات جنایی از محل وقوع جرم شهود و مطلعان از تعقیب و مراقبت متهم مظنون یا اشخاصی که به نحوی با واقعی ارتباط پیدا می‌کنند. مرحله دوم، حل معمای جنایی آن است که مأمور تحقیق به کمک هوش، قدرت، تخیل و نیروی تفکر خودبین اطلاعات جمع‌آوری شده و مجرم رابطه برقرار سازد. کشف ارتباط موجود بین اشیا و اشخاص راجع به واقعه جنایی مهم‌ترین کار مأموران بررسی صحنه جرم است. فرضیه‌سازی ساخت و پرداخته ذهن و یک امر شخصی و ذهنی است. در صورتی که مشهودات که حاصل معاینه محل و ملاحظات قاضی و پلیس است عملی عینی و واقعی بوده و ذهن مأمور تحقیق نقشی در آن ندارد. مرحله سوم حل معمای جنایی تجربه و آزمایش است در این مرحله فرضیه‌های معمول تحقیق در معرض بررسی و آزمایش قرار می‌گیرد تا صحت و سقم آن‌ها معلوم شود.

عده‌ای دیگر از کارشناسان پلیس علمی معتقدند با پرسش چهار سؤال مشخص و یکسان در کلیه تحقیقات می‌توان پرده از معمای هر جنایتی برداشت و این روش را قاعده طلایی تحقیق می‌نامند. این سؤالات عبارت‌اند از: «چه کسی؟^۱» «چه چیزی؟^۲» «چگونه؟^۳» «چرا؟^۴» (انصاری، ۱۳۸۰: ۸۷).

پاسخ به سؤال «چه کسی؟» می‌تواند جوابگوی سؤال‌هایی از این قبیل باشد که: «فاعل جنایت کیست؟» «چه کسی شاهد یا اعلام‌کننده جرم بوده است؟» «چه کسی گزارش را تنظیم و یا محل را معاینه کرده است؟» به‌عنوان مثال اگر فردی هنگام عبور از خیابان مورد حمله قرار بگیرد و محتویات جیب او خالی می‌شود، اولین سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که چه کسی حمله کرده و از قربانی سرقت نموده است؟ آیا مرتکب تنها بوده است یا به‌اتفاق هم‌دستانی مرتکب این کار شده است؟ اگر هم‌دستانی داشته، سهم و نوع دخالت آن‌ها چگونه بوده است؟ بنابراین سؤال «چه کسی؟» ناظر به

¹ Who

² Which

³ How

⁴ Why

شخصی است که به نحوی با جنایت مرتبط می‌شود از قبیل شاکی، قربانی، مأمور و یا حتی کارشناس رسمی.

منظور از «چه چیزی؟» آن است که بدانیم آیا واقعه‌ای حادث شده یا خیر؟ و اگر واقعه‌ای حادث شده آیا واقعاً عنوان جنایی دارد؟ اگر عنوان جنایی دارد، عنوان آن چیست؟ و جزئیات آن چگونه است؟ در مثالی که بیان شد شخصی در کوچه یا خیابان مورد حمله قرار می‌گیرد و از او سرقت می‌شود، چند سؤال و فرضیه فرعی دیگر نیز متصور می‌شویم؛ «بزه‌کار چه ابزاری برای ارتکاب جرم بکار برده است؟ اسلحه، چاقو، قمه، مشت؟» پاسخ به این پرسش همان‌طور که می‌تواند اطلاعات مربوط به شیوه ارتکاب جرم و اطلاعات راجع به طریقه و چگونگی ارتکاب را مشخص کند، یاری‌رسان گروه بررسی صحنه جرم در کسب اطلاع از نوع آلت مورد استفاده قاتل در قتل قربانی نیز است. علاوه بر آن یافتن این آلت نیز می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین ادله برای انتساب جرم به مجرم باشد.

منظور از پرسش «چگونه؟» پی بردن به نحوه و کیفیت وقوع جرم است. «جرم چگونه و به چه طریق واقع شده است؟» اگر با جسدی مواجه هستیم، باید بدانیم آیا این جرم حادثه است؟ قتل است؟ و یا خودکشی؟ اگر در این واقعه اسلحه‌ای به کار رفته و پوکه یا اسلحه در محل جنایت به دست آمده، اسلحه یا پوکه پیداشده واقعاً همان است که منجر به مرگ شده یا برای قتل از اسلحه دیگری استفاده شده است. آیا قتل با تصمیم قبلی بوده یا اتفاقی صورت گرفته است؟ و دیگر اینکه آیا قتل توسط یک نفر اتفاق افتاده؟ یا چند نفر و یا اینکه چگونه ابزار لازم برای ارتکاب جنایت را به کار برده است؟

پاسخ به پرسش «چرا» بخش مهمی از معمای قتل را آشکار می‌سازد. در گروه بررسی صحنه جرم همان‌طور که در آینده به آن پرداخته می‌شود، وظیفه پاسخ به این سؤال بر عهده کارآگاه جنایی است. «چرا پدری فرزند دختر خود را قتل رساند؟» «چرا قاتل مقتول را به روش منجر به فردی به قتل رساند؟» «چرا شخصی خانه خودش را به آتش کشید؟» کارآگاه با طرح جواب‌های منطقی، انگیزه مجرم از ارتکاب جنایت را کشف می‌کند و در برخی شرایط دایره مظنونین را محدود و مشخص می‌کند.

بنابراین در رشته تحقیقات پلیسی کاربردی همان‌طور که ذکر شد اهم فعالیت‌ها و اهداف موجود در تحقیقات شیوه‌ها و راهکارهایی است که به مأموران تحقیق یا گروه

بررسی صحنه جرم امکان حل معمای جنایت را از طریق جمع‌آوری اطلاعات جنایی، تجزیه و تحلیل منطقی آن‌ها، فرضیه‌سازی و استنتاج نتایج نهایی فراهم می‌آورد.

۱-۲-۱ تحقیقات پلیسی علمی

این بخش از تحقیقات پلیسی برگرفته از آموزه‌های جرم‌شناختی و پیش‌گیرنده است. به‌نحوی که در این بخش از تحقیقات پلیسی، کارشناسان با مطالعات پرونده‌ها و رویدادهای جنایی گوناگون اقدام به تقسیم‌بندی جرائم با مؤلفه‌های متفاوت می‌کنند. چراکه افراد به دلایل مختلف و تحت شرایط بسیار متفاوتی مرتکب قتل می‌شوند لذا توضیحاتی که درباره قتل داده می‌شود نیز باید دربرگیرنده این تفاوت‌ها باشد.

مطالعات کارشناسان در مورد جنایت سالب حیات حاکی از آن است که امروزه گونه‌شناسی پیچیده و متنوعی درباره قتل مطرح شده است و بسیاری از پژوهشگران در ساختن این گونه‌ها به موضوعاتی چون انگیزه و رابطه بین قاتل و قربانی توجه کردند. بعضی از پژوهشگران درباره تمایز اشکال ابزاری و عاطفی قتل بحث کرده‌اند. عده‌ای نیز از قتل‌های تصادفی و قتل‌های با برنامه‌ریزی سخن گفته‌اند. پژوهشگران متأخر با ارائه تقسیم‌بندی جدید که جهات ابزاری عاطفی و با برنامه و تصادفی را در هم ترکیب کردند و به چهار نوع سنخ جدید رسیدند که عبارت‌اند از: قتل‌های ابزاری با برنامه‌ریزی، قتل‌های ابزاری تصادفی، قتل‌های عاطفی با برنامه‌ریزی و قتل‌های عاطفی تصادفی (صادقی فسایی، ۱۳۹۲: ۴۷). برخی از این پژوهش‌ها نیز به ارتباط میان قربانی با قاتل می‌پردازد و بیان می‌دارد که در واقع تعداد زیادی از قاتلان با قربانیانشان آشنایی داشتند. قریب به ۶۰ درصد از قتل‌ها قربانی و قاتل به‌نوعی یکدیگر را می‌شناختند و این روابط برحسب خانوادگی دوستی کاری و خویشاوندی بوده است (خلعتبری، ۱۳۸۶: ۶۳). فلذا مطالعات عمیق کیفی به لحاظ تولید داده‌های غنی می‌تواند زمینه‌شناسایی اقسام مختلفی را فراهم سازد. تنوع در این گونه‌ها بیان‌کننده این مطلب است که قتل یک پدیده به‌شدت متنوعی است بنابراین می‌توان درباره قتل به‌عنوان یک‌شکل از جرم یا یک نوع از رفتارهای خشن فکر کرد می‌توان قدرت را بر اساس جنسیت شرایط و اوضاع و احوال رابطه قاتل و قربانی دسته‌بندی کرد.

از منظر روانشناسی جنایی، قتل لزوماً یک کنش تنظیم‌شده و همراه با قصد و

برنامه‌ریزی نیست. از این رو قتل‌ها را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد: قتل‌های مواجهه‌ای و قتل‌های انتقامی. در نوع اول، قتل‌ها بر سر دعوای جزئی رخ می‌دهد و معمولاً با قصد و برنامه‌ریزی همراه نیست. در این نوع قتل‌ها جرم بیشتر شکل و فرم مردانه دارد چون قربانی و قاتل هر دو مرد هستند و معمولاً با دعوا پیش می‌آید و اگرچه قصد قبلی در کار نیست اما دعوا منجر به قتل قربانی می‌شود. در قتل‌های انتقامی این قتل‌ها برنامه‌ریزی شده است و معمولاً بر سر مسائل مختلفی شکل می‌گیرد. به عنوان مثال دانشجوی پسری که دختر مورد علاقه‌اش را بر روی یکی از پل‌های شهر به قتل می‌رساند. در جریان تحقیقات علت ارتکاب قتل را این‌گونه تعریف می‌کند که: «آن دختر به من علاقه نداشت من بهش علاقه داشتم، نمی‌تونستم ذهنم رو از اون پاک کنم، بهش احساسم را گفته بودم... من رو رد کرد... با تمسخر و تحقیر با من رفتار می‌کرد، طوری که او و دوستانش غیرمستقیم به من متلک می‌انداختند و باعث عصبانیت من می‌شدند» (دادستان، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

بی‌شک این یافته‌ها و تقسیم‌بندی‌ها که برگرفته از تحقیقات علمی پلیسی است. در فهم ما از پدیده قتل تأثیر می‌گذارد؛ اما تأکید بر این مسئله ضروری است که دسترسی نداشتن به داده‌های غنی و جزئیات می‌تواند لازمه شکل‌گیری دسته‌بندی‌ها و تحلیل‌های علمی امروزی است.

۲-۱ تحقیقات قضایی

زمانی پرونده قابل طرح و رسیدگی در دادگاه است که کوچک‌ترین نقطه ابهامی در تحقیقات مقدماتی انجام شده وجود نداشته باشد. چراکه در این‌گونه پرونده‌ها تحقیقات مقدماتی توسط قضات دادسرا انجام می‌شود، لذا لازم است که در این مقطع از قضاتی که تجربه و تخصص لازم را داشته باشند و با اصول بررسی صحنه جنایت و برخورد با جسم و اطراف و جوانب آن آشنا بوده و بدانند که در یک صحنه جنایت چه وظیفه‌ای دارند و چگونه باید پرونده را پیگیری نمایند. در این صورت قضات محاکم با مشکلی مواجه نمی‌شوند البته بعضی از ابهامات و اشکالات جزئی در جریان محاکمه و بر اساس تحقیقات انجام شده قابل رفع خواهد بود اما مشکل اساسی زمانی احساس می‌شود که نقص در تحقیقات مقدماتی به اندازه‌ای باشد که نه تنها به وسیله دادگاه مرتفع نمی‌شود.

به عبارتی دیگر: «عملیات پی‌جویی درباره علت یک مرگ ناگهانی یا ناشی از ضرب و جرح با سایر انواع کارهای آزمایشی و عملیات علمی تفاوت زیادی دارد؛ زیرا برخلاف سایر آزمایش‌های علمی تحقیق که بعدها هر قدر فعالیت نماید موفق به جبران یا رفع آن اشتباه نخواهد شد.» (روحی سرا، ۱۳۸۴: ۵۷) بلکه در صورت عادی پرونده نیز قضات دادسرا نمی‌توانند اقداماتی در جهت رفع آن نیز انجام دهد؛ زیرا دلایل از بین رفته و راه رسیدن به واقعیت قضایی طولانی و غیرممکن می‌گردد، به ویژه زمانی که طرف مقابل مجرمان حرفه‌ای باشند. بسیار پرونده‌های جنایی وجود دارد که به دلیل عدم توجه قضات دادسرا به تکلیف مانده است و نه متهم شناسایی شده و نه مشخص است قتل چگونه اتفاق افتاده و یا اصولاً محل وقوع قتل کجاست و علت آن هم عدم آشنایی قضات مربوطه به وظایف خویش یا بی‌توجهی آن‌ها به اهمیت موضوع بوده است (عزیزمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۶).

پرواضح است که قضات باتجربه دادگاه‌های کیفری هیچ‌گاه پرونده را مورد توجه قرار نخواهند داد که به لحاظ نقص عدیده در اصول اولیه تحقیقات قابل‌رسیدگی نباشد و قدر مسلم پرونده بایستی به دادسرا اعاده و نواقص مرتفع و آماده برای انجام محاکمه و صدور حکم نهایی گردد و این مشکل زمانی حل خواهد شد که موجبات رفع نقایص فراهم باشد که معمولاً به دلیل از بین رفتن دلایل و شواهدی که باعث ای در همان لحظات اولیه مورد توجه قرار می‌گرفت و توجهی به آن نشده مشکل مذکور لاینحل باقی خواهد ماند. البته برخی موارد را نمی‌توان در زمره نقص تحقیقات دانست چراکه اهم مطالبات قضات اعم از قاضی تحقیق یا بازپرس و قاضی رسیدگی‌کننده مدارک و شواهدی است که وقوع قتل به واسطه فعل مستقیم یا به تسبیب از جانب متهم که منجر به قتل مجنی علیه شده است را اثبات کند.

چالش پیش‌آمده میان مطالبات بازپرس و قاضی رسیدگی‌کننده در تحقیقات جنایی را می‌توان ناشی از تمایز میان دو نهاد متبوع قضات مذکور دانست، بدین معنا که بازپرس به دلیل آن که وظیفه تحقیق پیرامون شناسایی مرتکب و ادله اثبات و انتساب جرم به وی را دارد، اهم فعالیت خود را به این امر می‌گمارد و در عوض قاضی رسیدگی‌کننده در صدد اطلاع از کیفیت وقوع جنایت است. به همین دلیل ابتدا آشنایی با ابزارهای قانونی بازپرس در جریان تحقیقات جنایی لازم می‌آید. مطابق مواد ۱۲۶ و ۱۳۰ قانون

آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم که بازپرس را در فرآیند تحقیقات از کمک گروهی از متخصصین صحنه جرم برخوردار می‌کند اصولاً نباید دشواری چندانی داشته باشد. از سوی دیگر صرفاً اکتفا به تشخیص قتل و جمع‌آوری دلایل جهت شناسایی قاتل، گویی نادیده انگاشتن توانایی‌ها و مهارت‌های ویژه اعضای گروه بررسی جرم است. بلکه می‌توان با استفاده از دانش و اطلاعات متخصصین این گروه علم و عمد قاتل در ارتکاب جنایت را نیز احراز نمود و بدین‌وسیله به ماهیت قضایی تحقیقات افزود و قاضی رسیدگی‌کننده را با نظریات کارشناسانه در شناسایی نوع جنایت حسب مورد؛ قتل عمد یا شبه عمد و یا خطای محض بودن راهنمایی کرد.

۲- فرآیند بررسی صحنه جرم

در این بخش درصدد پاسخ‌گویی به دو سؤال کلیدی هستیم، اول اینکه: «امروزه ماهیت تحقیقات بررسی صحنه جرم در چه قالبی می‌گنجد؟» و دوم اینکه: «حالت ایدئال در تحقیقات بررسی صحنه کدام است؟ و چگونه می‌توان به آن دست‌یافت؟» فلذا ضرورت می‌یابد برای دستیابی به این پرسش‌های اساسی با مفاهیم اولیه و بنیادین تحقیقات بررسی صحنه جرم آشنا شویم.

به صحنه جرم محلی است که مجرم اقدامات خلاف قانون خود را در آنجا انجام می‌دهد. (نجابتی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) و به متعاقب آن بررسی صحنه جرم عبارت است از انجام تحقیقات برنامه‌ریزی‌شده، هماهنگ و قانونی که نیروهای پلیس به‌منظور یافتن شواهد و مدارک این جرم انجام می‌دهند.

اهداف متعددی در فرآیند بررسی صحنه جرم دنبال می‌شوند که اهم آنان عبارت‌اند از:

- ۱- تشخیص اینکه آیا در حقیقت جرمی به وقوع پیوسته است یا خیر؟
- ۲- تحقیق و بررسی در خصوص شیوه‌ای که در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- کاهش تعداد مظنونین جهت دستگیری مجرم واقعی

۴- شناسایی مجرم

۵- فراهم آوردن گزارش علمی و قابل‌اعتماد برای مراجع قضایی و انتظامی

مطابق نظریه مبادله یا انتقال که در سال ۱۹۳۰ توسط ادموند لوکارد^۱ رئیس موسسه جرم‌شناسی دانشگاه لیون فرانسه ارائه داده است، اشخاصی که مرتکب جنایت می‌شوند تقریباً و به‌طور قهری آثاری از خود در صحنه جنایت یا نزد مجنی علیه یا هر دو به‌جای می‌گذارند و به‌طور متقابل آثاری از صحنه جنایت یا مجنی علیه یا هر دو نزد آن‌ها بر جای می‌ماند. با توجه به این اصل چنانچه در بررسی صحنه جرم دلیل و مدرکی به دست نیامد یا امکان ربط دادن جرمی به متهم موردنظر مقدور نبود باید آن را به حساب نقش آموزش یا کمبود امکانات فنی و یا کم‌تجربگی گذاشت (گاردنر، ۱۳۸۵: ۲۴۹). بنابراین احتمال وجود آثاری از فرد قاتل در صحنه جرم وجود دارد. به همین دلیل در جریان جنایت مرتکب عجزولانه اشیا را جابه‌جا و پراکنده می‌کند و به‌واسطه استفاده از ابزار و وسایل مختلفی از جمله اسلحه و ایجاد تغییرات فیزیکی و مدارک و دلایلی را در محل باقی می‌گذارد؛ بنابراین بررسی دقیق آثار فیزیکی موجود در صحنه جرم در تحقیق جنایی کاملاً ضروری است زیرا بسیاری از کسانی که به‌عنوان کارشناس صحنه جرم یا قاضی و پلیس عادی به صحنه جرم می‌رسند ممکن است به اهمیت ارتباط شواهد صحنه جرم با متهم پی نبرده باشند و دلایل موجود در صحنه جرم را نادیده بگیرد. به‌طوری‌که اولین مأموری که به صحنه جرم وارد می‌شود کار خود را باید با این فرض آغاز کند که تمام آنچه در صحنه جرم وجود دارد اعم از آثار و علائم راحتی ساختمان و محل جغرافیایی آن ممکن است دلیلی در ارتباط با متهم باشد.

منظور از این فرض آن نیست که اقدامات کارشناس موجب مزاحمت اشخاص و یا متهم شناختن به‌ناحق مردم شود. بلکه این فرض به‌صورت یک امر ذهنی و به‌عنوان یک فعالیت درونی بی آن که دیگران متوجه این عکس‌العمل‌ها شوند صورت می‌گیرد. مدارک و دلایل فیزیکی باید شناخته و کشف شود. همیشه فرض بر این است که مأموران بررسی صحنه جرم با نوع و ماهیت مدارک فیزیکی آشنایی کامل دارند و فعالیت آن‌ها در برداشتن علائم و آثار و انتقال صحیح آن‌ها به آزمایشگاه پلیس جنایی برای انجام عملیات آزمایش و مقایسه متمرکز شده است. چراکه اگر مدارک کشف نشوند و یا کشف شوند ولی به‌طور صحیح منتقل نشوند نتیجه کار آزمایشگاه و تنها بی‌ثمر بلکه گمراه‌کننده خواهد شد.

^۱. Edmond Locard

با توجه به سیر تکاملی دلایل و تقسیم‌بندی آن‌ها به دودسته اصلی دلایل ذهنی^۱ و دلایل عینی^۲ یا علمی و همچنین علی‌رغم وجود سایر وسایل اعلامی مانند شکایت اعلانات رسمی و غیررسمی و حتی مشهودات مأموران رسمی در معرض پاره‌ای از اشتباهات قرار می‌گیرند و یا ذهنی و تصویری خام و ناقص هستند. دلایل علمی و یا عینی و مادی به دلیل آنکه در معرض تغییر و تصرف افراد قرار ندارند از اعتبار و قاطعیت زیادی برخوردارند (قربانی تنکابنی، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

بدین منظور لازم است که برای یافتن دلایل مطمئن اقدام به معاینه محلی بشود. بررسی‌های نوین علمی مبین اهمیت فوق‌العاده زیاد معاینه محلی است؛ زیرا محل وقوع جرم یگانه عامل پیونددهنده میان مجرم و آثاری است که از او یا در نتیجه فعالیت جنایی در محل به‌جای مانده است. بازپرس یا مقام قضایی که مسئول نظارت و تشخیص چگونگی بررسی صحنه جرم است، وظیفه دارد این‌گونه فعالیت‌ها را از گروه بررسی صحنه جرم مطالبه نماید. در همین رابطه ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد بازپرس برای حفظ جسد کشف هویت متوفی و چگونگی فوت وی نسبت به ترسیم کروکی عکس‌برداری و در صورت امکان فیلم‌برداری از جسد و غیره اقدام و دستورهای لازم را در حدود مقررات شرعی صادر می‌کند. لزوم این دستور به این دلیل است که مهم‌ترین و بهترین نتیجه از تحقیقات در صحنه‌های قتل زمانی به دست می‌آید که از جنازه در محل واقعه و با وضعیتی که دارد معاینه و عمل آید زیرا وضعیت اولیه جسد خود گویای بسیاری از واقعیت‌هاست و با تغییر محل جسد و گذشت زمان و عدم توجه به مسائل دیگر نمی‌توان همان وضعیت اول را ایجاد نمود زیرا به محض انتقال جسد بسیاری از دلایل از بین رفته و احراز واقعیت با مشکل روبرو خواهد شد.

اقدامات دیگری صورت می‌گیرد، محصور نمودن صحنه و جلوگیری از ورود افراد غیرمسئول در محل استقرار جسدی که قبلاً می‌بایست توسط ضابطان دادگستری به موجب ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری انجام پذیرفته باشد را مورد توجه قرار دهد به طوری که ضابطان دادگستری مکلفاند در جرائم منجر به سلب حیات صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصول کنند و تا حضور بازپرس با صدور دستور لازم برای معاینه محل از ورود افراد و خروج آنان از محل جلوگیری به عمل آورد.

^۱ Subjective

^۲ Objective

۲-۱ گروه بررسی صحنه جرم از منظر آیین‌نامه بررسی صحنه جرم

به موجب آیین‌نامه اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم مصوب ۱۳۹۶/۶/۲۸ که در راستای اجرای تبصره ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری وضع گردیده است، فعالیت‌های گروه بررسی صحنه جرم احصا شده است. در این آیین‌نامه پس از تعریف صحنه جرم و لزوم حفظ صحنه جرم به فرآیند بررسی صحنه جرم اشاره می‌نماید و آن را این‌گونه در ماده ۴ تعریف می‌نماید: «مجموعه اقدامات فنی، علمی و قضایی در صحنه جرم برای کشف و شناسایی، بررسی اولیه، مستندسازی از قبیل یادداشت‌برداری، تصویربرداری، عکس‌برداری و تهیه کروکی، جمع‌آوری، بسته‌بندی، برچسب و شماره‌گذاری دلایل و مدارک جرم و سایر اقدامات تخصصی لازم نظیر انگشت‌نگاری، قالب‌گیری، چهره‌نگاری، گرفتن نمونه‌های زیستی بزه دیده و یا اشخاص مظنون و متهم و نمونه‌های غیر زیستی یافت شده در صحنه به منظور کشف جرم.» همان‌طور که اشاره خواهد شد در آیین‌نامه مذکور نیز به تفکیک تحقیقات جنایی به دودسته اقدامات پلیسی- فنی و قضایی اشاره می‌شود.

در ماده ۶ آیین‌نامه به ترکیب و ساختار گروه بررسی صحنه جرم پرداخته است: اشخاص مسئول و متخصصی که وظیفه قانونی و فنی بررسی و مستندسازی صحنه جرم را به عهده دارند، شامل پزشک قانونی (در موارد قتل، خودکشی، مرگ مشکوک، ضرب و جرح و سایر موارد) کارآگاهان و مأموران تحقیق مربوط، کارشناسان، متخصصین و تکنیسین‌های بررسی صحنه جرم اداره تشخیص هویت از قبیل عکاس، تصویربردار، متصدیان قالب‌گیری، اثر برداری، انگشت‌نگاری، امور رایانه، ترسیم کروکی و حسب مورد سایر کارشناسان. آنچه از این ماده برداشت می‌شود و مطابق منطوق ماده ۱۳۰ ق.آ.د.ک و همچنین امروزه در ترکیب این گروه جرم‌مراعی و قدر متیقن، حضور پزشک قانونی، کارآگاه نیروی انتظامی و کارشناس اداره تشخیص هویت است.

در فصل دوم آیین‌نامه به حدود وظایف اعضای گروه بررسی صحنه جرم پرداخته شده است.

در ماده ۱۳ وظایف و اختیارات کارشناس تشخیص هویت را به‌قرار ذیل دانسته است:

الف - ارزیابی و بررسی مقدماتی صحنه جرم؛

ب - مستندسازی صحنه جرم از قبیل یادداشت‌برداری، عکس‌برداری، تصویربرداری و

تهیه کروکی؛

پ - اثر برداری و نمونه‌برداری از لایه‌های مختلف صحنه جرم؛

ت - عکس‌برداری فنی در نماهای مختلف و از اعضای مختلف بزه دیده و البسه و اشیاء همراه بزه دیده؛

ث - جمع‌آوری نمونه‌های زیستی و غیر زیستی به‌جامانده بر روی جسد یا مصدوم یا مجروح، صحنه جرم، آلت قتاله یا ضرب‌وجرح و صدمه روی بدن مظنونین احتمالی حاضر در صحنه جرم؛

ج - جمع‌آوری، ثبت و ضبط علائم و اطلاعات ظاهری جسد و درج آن در فرم‌های مخصوص؛

چ - انجام چهره‌نگاری بر اساس اظهارات شهود و مطلعین؛

ح - عکس‌برداری و قالب‌گیری از آثار به‌جامانده در صحنه جرم نظیر ابزار، رد کفش، تایر خودرو؛

خ - بررسی، عکس‌برداری، نمونه‌برداری، انگشت‌نگاری و جمع‌آوری کلیه اطلاعات مربوط به اجساد ناشناس بجای مانده در حوادث و اتفاقات طبیعی و انسان‌ساخت به‌منظور تعیین و تأیید هویت آنان؛

د - بسته‌بندی، کدگذاری آثار و مدارک جمع‌آوری شده و تحویل آن به آزمایشگاه‌های تشخیص هویت متناسب با نوع ادله در اسرع وقت؛

ذ - هماهنگی و تعامل رییس گروه تشخیص هویت با سایر اعضای گروه بررسی صحنه جرم.

هدف از انجام این اقدامات توسط کارشناس تشخیص هویت دستیابی به پیمودن دو گام اساسی در جهت حل معمای جنایت است. اولین گام، تعیین هویت فرد مقتول جهت کشف ارتباط میان قاتل و قربانی و همچنین آگاهی از انگیزه‌های احتمالی از طریق فرضیه‌سازی‌های علمی بر اساس سایر قرائن و امارات موجود است. دومین گام، جمع‌آوری آثاری است که از مجرم در صحنه جنایت باقی می‌ماند. همان‌طور که در نظریه انتقال بیان گردید، بی‌شک مجرم در صحنه جنایت آثاری از خود به‌جا می‌گذارد که در صورت تخصص و تجربه کافی کارشناس تشخیص هویت و برخورداری از امکانات

لازم می‌توان به‌وسیله این آثار هویت مجرم را شناسایی نمود.

دومین عضوی که در آیین‌نامه به حدود وظایف و اختیارات آن پرداخته شده است، کارآگاه نیروی انتظامی است. ماده ۱۴ وظایف وی را این‌گونه بیان می‌دارد:

الف - معاینه، بررسی و ارزیابی مقدماتی صحنه جرم،

ب - تحقیق از شاکی، شهود و مطلعان در حدود مقررات؛

پ - دستگیری متهم یا متهمین و بازجویی از آنان برابر مقررات مربوط؛

ت - تعامل، هماهنگی و تبادل اطلاعات با اعضای گروه بررسی صحنه جرم؛

ث - تکمیل فرآیند تحقیق و پی‌جویی و اخذ نتایج اقدامات انجام‌شده توسط اعضای گروه بررسی صحنه جرم و ثبت در پرونده و گزارش به مقام قضایی.

همان‌طور که در بندهای فوق اشاره شد، صحنه‌ی قتل زبان‌گویای جنایت برای کارآگاهان است و آنان را از ماهیت و نحوه وقوع جنایت و رازهای موجود بین قاتل و مقتول آگاه می‌سازد. به همین دلیل با حفظ صحنه اولیه و جلوگیری از به هم خوردگی اشیاء و حرکت دادن می‌توان با معاینه از صحنه‌ی قتل به روابط معنادار بین اشیاء به‌عنوان مثال با حضور کارآگاه در منزل مقتول و مشاهده سه استکان چای روی میز به این فرضیه می‌رسد که مقتول مهمان داشته است و احتمال آن که قاتل در میان مهمانان وی بوده بسیار محتمل خواهد شد. علاوه بر اطلاعاتی که کارآگاه از صحنه جرم به دست می‌آورد با مصاحبه از شهود و مطلعان که در زمان وقوع جنایت به طرق مختلفی از جزئیات قتل باخبر شده‌اند می‌تواند پیشرفت چشمگیری در روند تحقیقات ایجاد کند.

سومین عضو از اعضای گروه بررسی صحنه جرم که در آیین‌نامه به آن اشاره می‌شود، پزشک قانونی است. در ماده ۱۵ وظایف و اختیارات پزشک قانونی این‌گونه تعریف شده است:

الف - حضور در صحنه قتل، فوت مشکوک، خودکشی، حوادث منجر به مرگ و صحنه‌های مربوط به صدمات و جراحات بدنی، روانی و تجاوزهای جنسی مطابق با دستور بازپرس؛

ب - معاینه اولیه شخص برای بررسی علائم حیاتی یا تأیید مرگ؛

پ - معاینه ظاهری جسد و در صورت نیاز نمونه‌برداری برای کمک به تعیین هویت، علت و نحوه حدوث واقعه و جمع‌آوری مدارک و بررسی شواهد در حوادث فردی و

جمعی؛

- ت - تخمین زمان وقوع مرگ؛
- ث - تعیین تقدم و تأخر زمان فوت یا سایر صدمات بدنی اشخاص؛
- ج - تفکیک جراحات و صدمات قبل و پس از مرگ؛
- چ - مطابقت آلات و ادوات مکشوفه با جراحات و صدمات موجود در بدن قربانی؛
- ح - کمک به بازسازی صحنه جرم در صورت لزوم؛
- خ - نظارت بر نحوه انتقال جسد؛
- د - در صورت اقتضاء جمع‌آوری نمونه‌های زیستی به‌جامانده روی قربانی یا متهم؛
- ذ - عنداللزوم جمع‌آوری نمونه‌های غیر زیستی از صحنه جرم که در تعیین علت فوت مؤثر باشد؛
- ر - جمع‌آوری سایر ادله‌ای که در تعیین علت و نحوه فوت مؤثر باشد.

در میان وظایفی که برای پزشک قانونی در نظر گرفته شده است، تمامی آن‌ها ناظر به جسد فرد مقتول است. وی از خلال بررسی بدن متوفی به شیوه‌ای که فعل مجرمانه واقع گردیده است، می‌پردازد. پزشک قانونی اعلام می‌دارد که مقتول در اثر خفگی، مسمومیت، غرق‌شدگی، اصابت گلوله یا... به قتل رسیده است. این تشخیص وی به کارشناس تشخیص هویت دریافتن آلت قتاله یا آتارشی کشنده در صحنه جرم کمک ارزشمندی می‌نماید. همچنین کارآگاه نیز با کسب اطلاع از شهود و مطلعان و نیز پس از دستگیری متهم می‌تواند با سنجش صحت و سقم ادعای آنان از جزئیات حادثه قتل پرده بردارد. بی‌شک وجود گروه بررسی صحنه جرم در روند تحقیقات جنایی نقش مؤثری ایفا می‌کند. همان‌طور که در آیین‌نامه اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم نیز اشاره شد، حداقل فعالیت‌هایی بود که از متخصصان عضو در این گروه انتظار می‌رفت. آنچه بحث اصلی این پژوهش است، در نظر گرفتن هدفی مضاعف یا به عبارتی بهتر وظیفه‌ای مغفول مانده است که پس از انجام اقدامات مربوط به یافتن مجرم، این وظیفه به‌واقع باید هدف مکملی باشد که این گروه در تحقیقات جنایی دنبال می‌کند.

۲-۲ هدف مکمل گروه بررسی صحنه جرم؛ شناسایی اقسام جنایی

با توجه به اینکه در کشور ماسال‌هاست که به جهت ضعف دانش مدیریت در قلمرو صحنه‌های جرم، عدم وجود الگوی بهینه و روش منظم و منطقی برای بهره‌برداری صحیح و مناسب از صحنه‌های جرم دلایلی ناشناخته‌ای دیگر مدیریت صحنه‌های جرم از نابسامانی شدیدی برخوردار بوده است (فرجیها، هندیانی، ۱۳۹۵: ۳۹) فلذا با استناد به برخی از معضلاتی که ذکر گردید باید ادعا کنیم که همچنان نیز مدیریت فرآیند بررسی صحنه جرم نیازمند الگوهای بهینه جهت بهره‌برداری در زمینه‌های قضایی و حتی علمی است. مهم‌ترین الگوی بهینه در بخش تحقیقات قضایی مطالبه تطابق نوع وقوع جنایت با ادله و آثار به‌دست‌آمده از صحنه جنایت، جسد مقتول و شهود و مطلعان بر اساس تعاریف قانونی مصطلح که کاربرد زیادی در رویه قضایی دارد ذیل جنایت عمدی، شبه عمدی و خطا محض است. با وجود اینکه بعضاً بازپرس به‌عنوان سرپرست گروه بررسی صحنه جرم و یا قاضی رسیدگی‌کننده اقدام به اخذ نظرات کارشناسان این گروه می‌کنند، در صورتی که این وظیفه صراحتاً توسط قانون آیین دادرسی کیفری یا آیین‌نامه مربوطه برای هر یک از اعضای مذکور در گروه ذکر شود، امر رسیدگی قضایی علاوه بر اینکه موجب اقتناع وجدان قاضی می‌شود بلکه از اتقان بیشتری نیز برخوردار می‌گردد.

پیشنهاد پیگیری چنین هدفی در گروه بررسی صحنه جرم گرچه بر همگان آشکار است اما محدود افرادی به لزوم برقراری چنین تأسیسی اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال یکی از قضات بازنشسته و مجرب دستگاه قضا اخیراً این مهم را در تحقیقات قضایی، امکانی دانسته‌اند که پزشک قانونی می‌تواند به آن جامه عمل بپوشاند. ایشان بیان داشته‌اند: «یکی دیگر از آثار حضور پزشکی قانونی به همراه مقام قضایی مسئول در صحنه این است که با بررسی صحنه قتل و تبادل افکار با یکدیگر و استفاده از نظریات کارشناسان و خبرگان و متخصصین تا اندازه این نوع غسل شناسایی شده و از نظر ظاهر می‌توان عمدی بودن یا غیرعمدی بودن آن را تشخیص بدهد.» (عزیزمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

پس از تبیین لزوم شناسایی اقسام جنایات توسط کارشناسان گروه بررسی ضروری است با مراجعه به ابزار قانونی پیشروی کارشناسان، به تحلیل برخی از روش‌های شناسایی جنایت قتل عمد بپردازیم.

۳- شناسایی قتل عمدی توسط گروه بررسی صحنه جرم از منظر قانون مجازات اسلامی

در میان تمامی نظام‌ها حقوقی شدیدترین و منفورترین جرم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، قتل عمد است که سنگین‌ترین مجازات نیز برای آن در نظر گرفته شده است (آقایی نیا، ۱۴۰۱: ۱۹۳). در حقوق کیفری ایران بدون ارائه تعریفی از قتل عمدی، مصادیق آن بیان شده است. قانون‌گذار کیفری ایران پیش از انقلاب در سال ۱۳۰۴ تعریفی از قتل عمد، ارائه نداد. ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی مقرر می‌داشت: «مجازات مرتکب قتل عمد، اعدام است، مگر در مواردی که قانوناً استثنا شده باشد.» پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قانون مجازات اسلامی مصوب سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ بدون ارائه تعریفی از قتل عمد، فقط به ذکر مصادیق آن اکتفا می‌نمود. این رویه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز تکرار شد با این تفاوت که به مصادیق قتل عمدی، مصداق دیگری نیز افزوده شده است. از منظر اصطلاحی، تعاریف مختلفی از قتل عمدی بیان شده است در یکی از این تعاریف که به نظر تعریف جامع‌ومانعی به نظر می‌رسد چنین بیان شده است: «هر رفتاری که از انسان بالغ و عاقل صورت پذیرفته و موجب سلب عمدی حیات از انسان محقون الدم دیگری بدون مجوز قانونی شود.» (جعفریان، ۱۴۰۱: ۴۲) در کتاب سوم از قانون مجازات اسلامی تحت عنوان قصاص قرار دارد. به‌طور کلی ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی صراحتاً به تعریف مهم‌ترین دسته‌بندی مصادیق جنایت عمدی می‌پردازد. این مصادیق چهارگانه عبارت‌اند از:

- الف - هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.
- ب - هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.
- پ - هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن،

نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت - هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.

پس از آشنایی با تعاریف و مصادیق قتل عمدی، گام بعدی شناسایی جنایت عمدی توسط گروه بررسی صحنه جرم، رجوع به حدود اختیارات و وظایف اعضای این گروه در تشخیص جنایت عمدی است. فلذا به صورت مجزا به بسترهای تشخیص کارشناسان صحنه جرم حسب وظایف مقررشان در آیین‌نامه اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم می‌پردازیم.

۳-۱ شناسایی قتل عمد توسط کارشناس تشخیص هویت

همان‌طور که بیان گردید کارشناس تشخیص هویت می‌تواند با ارزیابی و بررسی صحنه جنایت شرایط خاص مکانی و زمانی که مرتکب با در نظر گرفتن آن اقدام به جنایت کرده را از طریق مستندسازی اثبات کند. به‌طور مثال اگر مرتکب با ایراد صدمه غیر کشنده، قربانی را در فضایی محبوس نماید و وی در اثر گذشت زمان فوت کند، در چنین حالتی اثبات محبوس شدن فضایی که قربانی در آن بسر می‌برده از مصادیق عنوان قتل عمد است. حالت دیگر را می‌توان در فرضی دانست که مرتکب با فعلی نوعاً کشنده قصد جنایت بر فردی معین و یا حتی گروهی غیر معین را دارد، کارشناس تشخیص هویت با جمع‌آوری نمونه‌های موجود در صحنه یا جسد متوفی می‌تواند در شناسایی قتل عمد نقش مؤثری ایفا کند؛ مثلاً اگر مرتکب نوشیدنی دیگری را مسموم کند یا درون اتوبوسی اقدام به بمب‌گذاری نماید با یافتن آثار این مواد و اشیاء مؤثر خواهد بود. در حالتی که مرتکب با وسیله‌ای نوعاً کشنده‌ای مانند اسلحه شکاری بدون قصد جنایت و جهت شوخی با دیگری به طرف وی نشانه می‌رود، ارزیابی‌های کارشناس تشخیص هویت درباره نوع اسلحه و ماهیت کشنده بودن یا نبودن آن اهمیت پیدا

می‌کند. به‌عنوان مثال، در بررسی قتل عمد، شناسایی بقایای شلیک گلوله باید بسیار مورد توجه کارشناس قرار گیرد. نیاز عملیاتی برای شناسایی سریع و قابل‌اعتماد بقایای گلوله و ترکیبات انفجاری نیترو آروماتیک در محل صحنه جرم، نیاز به حسگرهای مخصوصی دارد که می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که تیراندازی توسط چه کسی انجام شده است (عابدی، ۱۳۹۹: ۱۶۸)؟

از سویی دیگر نمونه‌های بیولوژیک عوامل مهمی هستند که در کشف حقایق جرم نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در صورتی که صحنه جرم با روش‌ها و فنون علمی استاندارد مورد بررسی قرار گیرد، می‌تواند به کشف چگونگی انجام بزه و شناسایی هویت عوامل ارتکاب جرم منجر شود (بابایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۱). نمونه‌های بیولوژیک به علت آسیب‌پذیری بسیار زیاد در صحنه جرم و احتمال آلودگی یا فساد در نتیجه قرار گرفتن در معرض عوامل محیطی، شیمیایی به لحاظ جمع‌آوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. تاکنون پرونده‌های متعددی به پلیس آگاهی ارجاع شده است که به علت عدم آشنایی کافی مأموران با روش‌ها و فنون علمی و استاندارد در بررسی صحنه جرم، منجر به عدم موفقیت در کشف علمی جرم گردیده است (محمد و دیگران، ۲۰۱۹: ۴۷). نمونه‌های بیولوژیک دارای منابع مختلفی هستند که از بافت‌ها و مایعات مختلف بدن شامل می‌شود. این نمونه‌ها کاربردهای متفاوتی دارند که می‌توان از آن‌ها برای استخراج و آنالیز DNA نیز استفاده نمود که یکی از معتبرترین آزمایش‌ها برای کشف جرم و هویت مجرم است (مورفی، ۲۰۱۸: ۲۱).

۲-۳ شناسایی قتل عمد توسط کارآگاه نیروی انتظامی

ارزیابی‌های نقش بسیار ارزنده‌ای در اثبات عنصر روانی جرم دارد. کارآگاه با انجام مصاحبه و بازجویی از شهود و متهم احراز می‌کند که آیا مرتکب احتمالی می‌دانسته است که ضعف و بیماری یا شرایط خاص قربانی در اثر گذشت زمان و محبوس ماندن قربانی منجر به فوت او خواهد شد؟ آیا شخصی که اقدام به مسموم کردن نوشیدنی دیگری کرده از سم بودن موادی که در نوشیدنی حل کرده است، آگاهی داشته؟ و یا در فرضی که فردی بدون قصد جنایت عمل نوعاً کشنده‌ای را مرتکب شده است، آیا می‌دانسته که سلاحی که در دست گرفته بوده می‌توانسته کشنده و مهلک باشد؟

کارآگاه با پرسش چنین سؤالاتی جای شکی در علم و اطلاع مرتکب از اوضاع و احوال وقوع فعل مجرمانه باقی نمی‌گذارد. در این زمینه کارآگاه با رجوع به مبانی کیفری عنصر روانی و انگیزه مرتکب از انجام جنایت می‌تواند به راهکارهای مؤثری دست یابد. در مورد عنصر روانی قتل عمدی باید بیان داشت که از اجزای مختلفی از قبیل سوءنیت عام (عمد در رفتار یا قصد فعل) و سوءنیت خاص (عمد در نتیجه یا قصد نتیجه) است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت کارآگاه باید تمامی ارکان سه‌گانه عنصر ذهنی قتل عمد را که شامل موارد ذیل است، احراز نموده و در گزارش خود مندرج کند: (سیاه پور و بهمن پوری، ۱۴۰۱: ۹۸)

۱. اراده ارتکاب که لازمه وقوع و تحقق هر جرمی است،

۲. قصد فعل بر شخص مجنی علیه (سوءنیت عام)

۳. قصد نتیجه یا کشتن یا پیش‌بینی چنین نتیجه‌ای (سوءنیت عام)

۳-۳ شناسایی قتل عمد توسط پزشک قانونی

پزشک قانونی با حضور در صحنه جرم یا پس از کالبدشکافی از جسد مقتول به حقایقی درباره نحوه وقوع حادثه پی خواهد برد که گام مهمی در شناسایی عمدی یا غیرعمدی بودن عمل ارتكابی برمی‌دارد. در فرضی که قاتل قبل از جنایت به مقتول تجاوز کرده باشد و سپس او را به قتل برساند، پزشک قانونی با اثبات تجاوز مرتکب از روی آثار DNA متجاوز، علاوه بر آنکه به هویت قاتل دست پیدا می‌کند، بلکه بدین‌وسیله آشکار می‌شود که وی با علم و آگاهی و همچنین قصد جنایت بر قربانی مرتکب جنایت مزبور شده است.

پزشک قانونی با بررسی تقدیم و تأخر صدمات وارد آمده بر جسد متوفی می‌تواند به این مهم پی ببرد که صدمات وارد آمده توسط یک نفر یا بیشتر ایجاد شده است و کدام یک از صدمات و جراحات موجود کشنده بوده است و کدام یک از آن‌ها بدون قصد وقوع جنایت قتل بر پیکره متوفی وارد شده است. به‌عنوان مثال در حالتی که قربانی در حال نزاع با دو نفر دیگر بوده باشد، یک نفر او را بدون قصد جنایت قتل به سمتی هل می‌دهد و قربانی سرنگون می‌شود و جراحات سبکی در ناحیه سروصورتش ایجاد می‌شود و دیگری نیز به‌قصد جنایت صدماتی را با چاقو یا وسیله‌ای نوعاً کشنده بر او وارد می‌کند، در چنین

حالتی پزشک قانونی باید اظهارنظر تخصصی کند که صدمات ایجادشده توسط نفر اول کشنده و حتی عمدی نبوده است بلکه اما صدماتی که فرد دوم وارد آورده است، منجر به قتل قربانی شده است و مصداقی از قتل عمد خواهد بود.

موارد فوق تنها برخی از حالات متعددی بود که امکان بهره‌گیری از نظریات تخصصی اعضای گروه بررسی صحنه جرم را در تشخیص نوع قتل ارتكابی بیان می‌کرد؛ بنابراین اظهارنظر کارشناسان مزبور می‌تواند تأثیر ارزشمندی در تشخیص پرونده‌های جنایی داشته باشد. البته وجود این نظریات به معنای عدم استقلال قضات در فرآیند استدلال پیرامون شناسایی اقسام جنایت ارتكابی نیست، بلکه صرفاً می‌تواند مطابق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، جنبه اقناعی برای قاضی داشته باشد. در برخی موارد نیز قاضی می‌تواند با عنایت به ماده ۱۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری از کارشناسان مذکور اخذ توضیح نماید و در صورت عدم پذیرش نظریات آنان (ماده ۱۶۵ ق.آ.د.ک.) و یا عدم مطابقت نظریات با اوضاع و احوال پرونده (ماده ۱۶۶ ق.آ.د.ک) می‌تواند اقدام به رد نظریات نماید و دستورات خود را به کارشناسان دیگری ارجاع دهد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در تعریف صحنه جرم اشاره می‌شود، این صحنه سرچشمه حقایق اطلاعات مربوط به جرم و مجرم است. در این پژوهش سعی شد همان‌طور که از این تعریف و سایر نظریات مذکور بیان شد، حقایق موجود در صحنه جرم را به دودسته تقسیم نماییم. اولین دسته، ناظر به حقایقی است که در راستای هدف شناسایی مرتکب جرم و جمع‌آوری ادله و مستندات موجود در صحنه جنایت علیه وی هستند. این اقدامات گرچه تحت نظارت و سرپرستی بازپرس به واسطه ضابطین دادگستری و اعضای گروه بررسی صحنه جرم انجام می‌پذیرد اما عملاً در زمره تحقیقات پلیسی قرار می‌گیرد. چراکه بازپرس پیرو سازمان خود که همان دادسرا است، صرفاً وظیفه تحقیق و تعقیب جرم را برعهده دارد و بالطبع عملکرد گروه بررسی صحنه جرم نیز مطابق این هدف تعریف می‌شود. چالش اصلی در مرحله رسیدگی در دادگاه بروز پیدا می‌کند. زمانی که قاضی در صدد صدور حکم برمی‌آید و پیرامون نحوه ارتكاب جنایت و کیفیت وقوع آن به سؤالاتی برمی‌خورد که اصولاً در تحقیقات بررسی صحنه جرم صورت نپذیرفته است.

فلذا می‌توان به این نتیجه رسید که اقدامات بازپرس در جهت سرپرستی و نظارت بر گروه بررسی صحنه جرم در قالب تحقیقات پلیسی می‌گنجد و از سوی دیگر قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده نیازمند اطلاع از وقایعی حول محور فعل مجرمانه است و نه صرفاً دستیابی به مجرم. این دسته نیز با عنوان تحقیقات قضایی شناخته شد. پس از اثبات این مهم با رجوع به حدود وظایف و اختیارات کارشناسان بررسی صحنه جرم در آیین‌نامه اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم (مصوب ۱۳۹۶) و با عنایت به قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) درصد چگونگی احراز قتل عمدی توسط اعضای گروه بررسی صحنه جرم برآمدیم.

کارشناس تشخیص هویت با ارزیابی صحنه جرم و تحلیل و بررسی آثار زیستی و غیر زیستی موجود در صحنه جنایت و همچنین از طریق روش‌های اسلحه‌شناسی و بررسی بقایای شلیک گلوله می‌تواند نظریات کارشناسانه خود را پیرامون عمدی بودن جنایت را اظهار نماید.

کارآگاه، با انجام مصاحبه شهود و مطلعین و بازجویی از متهم می‌تواند، عنصر روانی جرم و سوءنیت عام و خاص مرتکب را احراز کند و با ارزیابی سایر مدارک موجود در صحنه جرم، درباره عمد یا غیر عمد بودن جنایت اظهار نظر نماید. پزشک قانونی، با بررسی صدمات وارد آمده بر بدن متوفی می‌تواند کشته یا غیر کشته بودن صدمات متعدد را شناسایی کند و با در نظر گرفتن تقدم و تأخر جراحات، علاوه بر اینکه تشخیص دهد کدام ضربه منجر به فوت شده است بلکه درباره عمد بودن آن نیز اظهار نظر نماید.

بنابراین توجه به این وظیفه نادیده انگاشته شده در بررسی‌های صحنه جرم و بهره‌گیری از نظریات کارشناسانه اعضای گروه بررسی صحنه جرم پیرامون عمدی بودن قتل ارتكابی علاوه بر آنکه می‌تواند به‌عنوان قرینه‌ای علم آور قاضی را در صدور آرای خودیاری می‌رساند بلکه موجب تسهیل در روند رسیدگی‌های قضایی نیز می‌گردد.

منابع

۱. انصاری، ولی ا...، کشف علمی جرائم، انتشارات سمت. ۱۳۸۰.
۲. انصاری، ولی ا...، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، انتشارات سمت. ۱۳۸۵.
۳. بابایی، محسن و دیگران، کارایی نمونه‌های بیولوژیک جمع‌آوری‌شده از صحنه جرم بر کشف جرم، مجله طب انتظامی، شماره ۱۰. ۱۳۹۹.
۴. جعفریان، هادی، تحلیل اثربخشی عملکرد پلیس از جرائم از قتل عمد، فصلنامه علمی دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری، شماره ۴۰. ۱۴۰۱.
۵. خلعتبری، عبدالحسین، جرم یابی قتل از نگاه کارآگاهی، نشر کارآگاه. ۱۳۸۶.
۶. دادستان، پریخ، روانشناسی جنایی، انتشارات سمت. ۱۳۸۲.
۷. روحی سرا، غلامحسین، بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد تکنسین‌های صحنه قتل، پایان‌نامه ارشد مدیریت قضایی، دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا. ۱۳۸۴.
۸. سوانسون، چارلز، تحقیقات جنایی، ترجمه مهدی نجابتی، انتشارات جهاد دانشگاهی. ۱۳۷۵.
۹. سوزان، بل، دانشنامه پلیس، ترجمه مهدی نجابتی و علی شایان، انتشارات سمت. ۱۳۸۹.
۱۰. سیاه پور، محمدرضا، بهمن پوری، عبا...، درجه‌بندی قتل‌های عمدی، شبه عمدی و خطای محض بر مبنای عنصر روانی، نشریه تعالی حقوق، شماره ۳. ۱۴۰۱.
۱۱. صادقی فسایی، سهیلا، تیپولوژی‌های قتل بر اساس چند روایت، نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱. ۱۳۹۲.
۱۲. عابدی، حمید، حسگرهای شناسایی بقایای شلیک گلوله جهت آنالیز در صحنه جرم، نشریه کارآگاه، شماره ۵۰. ۱۳۹۹.
۱۳. عزیزمحمدی، نورا...، تحقیقات قضایی در قتل، انتشارات بهنامی. ۱۳۹۰.
۱۴. فرجیها، محمد هندیانی، عبا...، مدیریت صحنه جرم در تحقیقات جنایی، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۲. ۱۳۹۵.
۱۵. قربانی تنکابنی، الهام قربانی، اکبر، بررسی صحنه جرم و کشف جرائم از دیدگاه پلیس، نشریه کارآگاه، شماره ۲۶. ۱۳۹۳.
۱۶. گاردنر، راس، بررسی کاربردی صحنه جرم، ترجمه علی شادکام، دفتر تحقیقات

- کاربرد پلیس آگاهی. ۱۳۸۵.
۱۷. گودرزی، حمیدرضا و همکاران، **معاینه محل**؛ بررسی صحنه در مرگ‌های مشکوک، مجله پزشکی قانونی، شماره ۱۲. ۱۳۸۹.
۱۸. نجابتی، مهدی، **پلیس علمی (کشف علمی جرائم)**، انتشارات سمت. ۱۳۹۰.
۱۹. شنایدر، لی موین، پی جویی قتل، ترجمه یحیی افتخارزاده، انتشارات زوار. ۱۳۷۷.
۲۰. -آقایی نیا، حسین، جنایت علیه اشخاص، نشر میزان. ۱۴۰۱.
21. Murphy E. Forensic DNA typing. Annual Review of Criminology 2018. <https://www.annualreviews.org/doi/abs/10.1146/annurev-criminol-032317-092127>.
22. Mohammed E, Nedić D, Milić A, 2019, Importance of DNA analysis for identification and confirmation of human remains, Genetics Supplement Series.

A reflection on the effects of the executive regulations of crime scene investigation (approved 2016) In the judicial investigation of manslaughter

Mohammad Reza Azazi, Abdullah Handiani

Received:2022/12/14 Accepted: 2023/02/01

Abstract

After the crime, the first step to discover the traces of the crime is to start the preliminary investigation. In the judicial investigation of crimes against the self, various tasks are necessary to identify the criminal and to know the manner of committing the murder. According to Article 130 of the Criminal Procedure Code, the crime scene investigation team is responsible for revealing the dimensions of the murder mystery. In this research, which was carried out with a qualitative and library method, the research is divided into two main categories: police and judicial, according to the activities mentioned in the executive regulation of the powers and duties of the crime scene investigation, it is pointed out that the actions taken at the crime scene are purely police in nature and Basically, it is in line with the duties of the officers. On the other hand, the judge sometimes has demands about the manner of the crime and the quality of its commission, which were not previously mentioned in the report of the crime scene investigation group. This type of judicial investigation has a very decisive role in the decision-making of the judges of the courts, which according to the executive regulations of the crime scene investigation can be achieved through the investigations carried out at the crime scene and the opinions of the experts of the crime scene investigation group, so the result is that the said group, using their powers, each According to their specialized duties, they must answer two basic questions about the identification of the killer and the quality of the murder. Undoubtedly, the achievement of this goal, in addition to helping to convince the judge's conscience to issue a verdict, also solves the problem of delaying proceedings.

Keywords: criminal, intentional murder, crime scene, judicial officers, criminal investigation, judicial persuasion